

بهبانہ ارتباط

در ابتدای جلسه و پس از سلام و احوالپرسی، سه گروه برای اجرای مسابقه جورچین انتخاب می‌شوند. بهتر است هر گروه متشکل از حداقل دو یا سه نفر باشند تا هم تعداد دانش آموزان فعال در مسابقه بیشتر شود و هم اینکه با همکاری و همفکری هم بتوانند به پاسخ صحیح برسند.

تذکر: مبلغ گرامی لازم است قبل از جلسه، کارتهای لازم که متن هر گروه رو و پشت آن درج شده است را برای اجرای مسابقه آماده نماید تا پس از حضور دانش آموزان، در اختیار آنها قرار دهد تا در مدت زمان مشخص (مثلاً سه دقیقه) بتوانند جورچین را کامل کنند و نفرات برتر و برگزیده، مورد تشویق و دریافت جایزه قرار بگیرند.

گروه اول:

بِالْحَسَنَةِ	أَمْثَالِهَا	فَلَهُ عَشْرُ	مَنْ جَاءَ
---------------	--------------	---------------	------------

هر کس بجا آورد	برای او ده برابر	آن پاداش خواهد بود	کار نیکی
----------------	------------------	--------------------	----------

گروه دوم:

نِعْمَ	زَادُ الْمَعَادِ	إِلَى الْعِبَادِ	الْإِحْسَانُ
--------	------------------	------------------	--------------

پشت کارت:

زاد و توشه مناسبی است	برای جهان آخرت	به بندگان خدا	احسان و کمک
-----------------------	----------------	---------------	-------------

گروه سوم:

رَأْسُ	الْإِيمَانِ	إِلَى النَّاسِ	الْإِحْسَانُ
--------	-------------	----------------	--------------

کمک	به مردم	ایمان است	رأس
-----	---------	-----------	-----

متن صحیح حدیثها:

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «نِعْمَ زَادُ الْمَعَادِ الْإِحْسَانُ إِلَى الْعِبَادِ؛ احسان و کمک به بندگان خدا، زاد و توشه مناسبی برای جهان پس از مرگ است.»^۱

۱. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، دارالحدیث، قم، ص ۴۹۴.

و در سخنی دیگر می‌فرماید: «رَأْسُ الْإِيمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ؛ کمک به مردم رأس ایمان است.»^۱

متن آیه: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا؛ هر کس کار نیکی به جا آورد، ده برابر آن پاداش دارد.»^۲

تبیین متن و محتوا

یکی از کارهای خوبی که همه باید آن را انجام دهند و خودشان را موظف به آن بدانند، کمک کردن و دستگیری از افراد ضعیف و نیازمند است. احسان و نیکوکاری و بخشش و سخاوت از صفات زیبای انسانها است که اگر آن را درباره هموعان و نیازمندان به کار بیندند، مورد توجه و رضایت خداوند قرار می‌گیرند و خداوند آنها را مورد لطف و رحمت خود قرار می‌دهد. بسیاری از افراد بوده‌اند که به این صفت آراسته بودند و خود را موظف می‌دانستند که در حد توان و بضاعت خود به دیگران کمک کنند و گره از مشکلات آنان بکشایند. یکی از این افراد برجسته و مورد عنایت خداوند، کسی است که حتی در دوران کودکی و نوجوانی خود چنین روحیه‌ای داشت و هر جا که می‌توانست، به دیگران یاری می‌رساند. حلا من دو داستان کوتاه از زندگی ایشان نقل می‌کنم تا شما بتوانید اسم ایشان را حدس بزنید.

داستان اول:

سرایدار یک مدرسه می‌گوید: کم‌رزد داشتم و نمی‌توانستم کار روفت و روب مدرسه را خوب انجام دهم، مدیر مدرسه هم بالاخره جلوی يك مشت بچه، سکه ی یک پولم کرد و گفت:

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ص ۳۸۳.

۲. سوره انعام، آیه ۱۶۰.

اگر اوضاع همیشه این باشد، باید بروی بیرون و مجبورم اخراجت کنم. اگر من را بیرون می‌کردند، خیلی اوضاع زندگی‌ام بدتر می‌شد. آن شب همه‌اش در فکر حرف‌های مدیر بودم که اگر من را بیرون بیندازد، چه خاکی توی سرم کنم؟

فردا صبح که بلند شدم و رفتم مدرسه، دیدم حیاط مدرسه و کلاس‌ها عین دسته‌گل شده، منبع آب هم پر است. از همسرم که بر نمی‌آمد؛ چون توان این همه کار را نداشت. خلاصه نفهمیدم کار کی بوده.

با همسرم آن شب را تا صبح بیدار ماندیم تا از قضیه سر در بیاوریم. نزدیک صبح هر دو خواب‌مان برد. بلند که شدیم، دیدیم برنامه دیروز تکرار شده.

شب بعد، با هر جان‌کندنی بود، نخواهیدم. صبح علی‌الطووع، یک پسر بچه از دیوار پرید پایین و یک‌راست رفت سراغ جارو و خاک‌انداز. شناختم‌اش، از بچه‌های مدرسه خودمان بود. مرا که دید، ایستاد، سرش را پایین انداخت.

با بغضی که در گلویم نشسته بود، گفتم: پسر! کی هستی؟ اسمت چیه؟

گفت: عباس... هستم.

گفتم: پسر! چرا این کارها را می‌کنی؟

گفت: من به شما کمک می‌کنم تا خدا هم به من کمک کند، چه اشکالی دارد؟

گفتم: اشکالت این است که اگر پدر و مادرت بفهمند، من بیچاره می‌شوم.

توی چشم‌هایم خیره شد و گفت: اگر شما چیزی به آن‌ها نگوید، از کجا می‌خواهند

بفهمند؟!

پدر این مرد بزرگ می گوید: این بچه از دوران نوجوانی، به یاد مردم ضعیف و کمک به آن ها بود. هیچ وقت سعی نکرد دل آن ها را بشکند.

بعد پدرشان این خاطره را نقل کردند: برادر زخم (یعنی دایی عباس) در همان مدرسه ای که عباس درس می خواند، ناظم بود. یک روز دیدیم با ناراحتی آمد خانه مان و گفت: حاج اسماعیل! آبرو برای ما نگذاشتید؛ آن قدر به سر و وضع این بچه نرسیدید که امروز اسمش را در لیست بچه های فقیر مدرسه نوشتند تا به او کمک مالی کنند.

تا این حرف را زد، نفسم بند آمد. دستش را گرفتم و بردم سر کمد عباس. در کمد را باز کردم و ردیف پیراهن ها و کت و شلوارها را نشان دادم.

با دل خوری گفتم: تو دیگر چرا؟ واقعاً خیال می کنی من برای عباس کم می گذارم؟ خودش می گوید من لباس نو نمی پوشم، می گوید مدرسه ما بچه فقیر زیاد دارد، از آن ها خجالت می کشم. نمی خواهم جلوی من احساس نداری کنند.^۱

خب بچه ها!

توانستید شخصیت مورد نظر ما را حدس بزنید؟
آفرین! «شهید عباس بابایی».

پیام های کاربردی تربیتی

آثار احسان و نیکوکاری

دوستان عزیز من! همیشه کارهای خوب و خداپسندانه، ثمرات زیبا و دلنشینی دارد که به افرادی که اهل کار خیر هستند، می رسد. چهار تا از این آثار در جدول زیر وجود دارند که شما باید در مدت پنج دقیقه، آنها را پیدا کنید.

م	ت	ش	ا
س	ث	ر	ا
ر	ا	د	ت
م	ت	س	ل
⌚	ع	ا	و

شیوه پیدا کردن رمز جدول:

ابتدا حرف اول (الف) را نوشته و با رمز پنج به صورت افقی شروع به شمارش کنید، یعنی به عنوان مثال، دومین حرف به دست آمده (ر) خواهد بود و همین طور ادامه دهید تا ۱۹ حرف که کامل شد، با آنها چهار کلمه مورد نظر را پیدا کنید. توجه داشته باشید که خانه آخر که با شکل ساعت مشخص شده است، جزء شمارش جدول نیست و نباید شمرده شود.

کلمات مورد نظر: آرامش، ثروت، سلامت، سعادت

تذکره: پس از استخراج کلمات از میان حروف جدول، مبلغ گرامی توضیح کوتاهی پیرامون آن کلمات می‌دهد.

توضیح کوتاه درباره کلمات جدول

آرامش؛ از بهترین و لذت بخش ترین آثار کمک، آرامش روحی روانی و رضایت از خود است که توانسته کار مثبت و خوبی انجام دهد؛ مثل اینکه جایش را به بزرگتر می‌دهد، یا پیرمردی را از خیابان رد می‌کند، به همسایه ناتوان و از کار افتاده اش کمک می‌کند، به دوستش در درسها یاری می‌رساند و باعث موفقیت او می‌شود و...

دوستان من!

واقعا چه لذتی از این بالاتر که انسان کاری کند که پدر و مادر از او راضی و خوشحال شوند و با چشمانی خوشحال و مملو از رضایت و شادمانی، برای موفقیت و سربلندی فرزندشان دعا کنند....

ثروت؛ کسی که اهل احسان و نیکوکاری باشد و از مال و جان خود برای دیگران مایه بگذارد، خداوند هم این خیرخواهی او را به بهترین شیوه جبران می‌کند و نه تنها از مال و ثروتش کم نمی‌کند، بلکه به او سلامتی همراه با ثروت و دارایی بیشتر می‌دهد.^۱

این وعده خدای سبحان است که می‌فرماید: «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لَدَا الْآخِرَةِ خَيْرٌ؛ برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و سرای آخرت از آن هم بهتر است».^۲

یک داستان

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «در بنی اسرائیل مرد صالحی، زن نیکوکاری داشت. مرد شبی در خواب دید که شخصی به او می‌گوید: خدا فلان مقدار عمر برای تو مقدر کرده است که نصف آن در رفاه و آسایش هستی و نصف دیگر در مضیقه و تنگدستی. هر کدام از دو نصف را می‌خواهی، اول انتخاب کن!

مرد جواب داد: من زن خوبی دارم که شریک زندگی‌ام است، با او مشورت می‌کنم سپس به تو خبر می‌دهم. صبح جریان را با همسرش در میان گذاشت و از او مشورت خواست. همسرش گفت: ابتدا نصف رفاه و آسایش را برگزین، شاید خدا بر ما رحم کند و در نصف

دیگر نیز نعمتش را از ما قطع نکند.

۱. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ بَسَطَ يَدَهُ بِالْإِنْعَامِ حَصَّنَ نِعْمَتَهُ مِنَ الْإِنْصِرَامِ؛ کسی که دستش را برای بخشندگی (به دیگران) بگشاید، نعمتش (و دارایی‌اش) را از نابودی حفظ می‌کند». تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۷۹.

۲. سوره نحل، آیه ۳۰.

شب دوم فرارسید و بار دیگر آن شخص به خوابش آمد. مرد صالح در جواب گفت: من نصف رفاه و آسایش را اول انتخاب کردم. بعد از آن رؤیا، دنیا از هر طرف به او رو آورد. چون نعمتهای الهی نزد او فراوان و آشکار شد، همسرش به او گفت: خویشان، همسایگان و افراد محتاج را کمک کن! آن مرد به توصیه همسرش عمل نمود. نصف تعیین شده از عمر او در کمال رفاه و آسایش و کمک به دیگران گذشت، سپس از نصف هم گذشت و همچنان وضع مالی او خوب بود. برای سومین بار، همان شخص در عالم رؤیا نزد او آمده، گفت: نیکی و احسان تو باعث شد که خدا به تو پاداش مرحمت فرماید. تو تا آخر عمر در نعمت و رفاه به سر خواهی برد.»^۱

سلامت؛ به واسطه کارهای خوب و زیبایی که انسان انجام می دهد، هم دیگران در حق انسان دعا می کنند و هم اینکه انجام کار خوب باعث رضایت الهی و فرود آمدن نعمتهای زیاد و از جمله سلامتی و تندرستی برای انسان می شود. امام صادق علیه السلام می فرمودند: کمک به دیگران و احسان و نیکی باعث طول عمر انسان می شود.^۲

سعادت؛ انسانهای نیکوکار وقتی وارد جهان آخرت می شوند، خوشحال و شادمان می گردند و آرزو می کنند که ای کاش بیشتر از این کار نیک و خداپسندانه انجام می دادیم. حضرت علی علیه السلام می فرمود: «بر شما باد به احسان و نیکوکاری در حق دیگران، که آن برترین و پرمفعت ترین کشت و زرع و سود آخرتی برای شما خواهد بود.»^۳

و فرمود: «طوبی لمن أحسن إلى العباد و تزود للمعاد؛ خوشا به حال کسی که به بندگان خدا نیکی کند و برای روز قیامت توشه بردارد.»^۴

۱. قصص الأنبياء، قطب الدین راوندی، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۶۲.

۲. «من یعیش بالإحسان أكثر ممن یعیش بالأغمار؛ کسانی که به خاطر نیکی زنده می مانند (و طول عمر می یابند) بیش از کسانی هستند که عمر معمولی می کنند.» الامالی، شیخ طوسی، ص ۳۰۵.

۳. «علیک بالإحسان فإنه أفضل زراعة و أربح بضاعة». تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ص ۳۸۳.

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۹.

تذکره: مبلغ گرامی با توجه به نیاز و ظرفیت دانش آموزان، می تواند از آیات و روایات استفاده کرده و از استفاده زیاد از متن عربی پرهیز نماید.

پیام ویژه وقفی

برخی آدمهای زرنگ و باهوش که علاقه به کار نیک و احسان و نیکوکاری دارند، کاری می کنند که تا سالهای سال و حتی شاید برای همیشه این کار خوبشان ادامه داشته باشد و برای همیشه، از کار خوبشان ثواب ببرند. اسم این کار زیبا، «وقف» است. وقف نوعی سخاوت و کمک دائمی به دیگران است که آثار ماندگار و فراوانی دارد و خداوند به انسانهای واقف چندین برابر پاداش می دهد و گاهی یکی کار خیر کوچک برای همیشه باقی می ماند و ثوابش به حساب انسان واریز می شود؛ مثل هدیه دادن کتاب به کتابخانه، قرآن به مسجد و هیئت، و... وقف تنها عملی است که اگر انجام دهیم، تبدیل به همیشه می شویم.

دعا و نیایش

خدایا!

زندگی و عمر ما را با برکت قرار بده!

به روحیه احسان و کمک به نیازمندان عنایت بفرما!

به ما توفیق انجام کار خیر و وقف کردن عنایت کن!

علما و بزرگان و والدین ما را سلامت بدار!

رهبر عزیز انقلاب را طول عمر با عزت عنایت کن!

در ظهور امام زمان عجل الله تعالی تعجیل بفرما.

آمین

متن مطالعاتی

نمونه هایی از اهل احسان و نیکوکاری

شهید حسن فایده

مقابل منزل ما زنی کارگر زندگی می کرد که روزگار را به سختی می گذراند. گاهی حسن که از خرید برمی گشت، می دیدم مواد غذایی مورد نیازم، کمتر از حدی است که سفارش کرده بودم. روزی علت این کار را از او پرسیدم. گفت: «با همسایه مان، صغری خانم، تقسیم کردیم. بنده خدا نیازمند است. باید به فکرش باشیم.» گفتم: «شاید مهمانی از راه برسد و خودمان احتیاج داشته باشیم!» در جوابم گفت: «میهمان روزی اش را با خود می آورد؛ خدا ضمانت کرده، شما نگران نباش.»^۱

هم رزم شهید فایده می گوید: سیره اش بود که هوای ضعیفان را داشته باشد. شبی توفیق داشتم تا برای سرکشی از خانواده ای همراهش بروم. در حومه شهر بیرجند، به منزل نیمه ویرانی رسیدیم. پیرزن قد خمیده ای به استقبال ما آمد. در گوشه ای از آن ویرانه، مرد کهن سالی از درد به خود می پیچید. پیرزن خیلی عاجزانه گفت: «مدتی است کسی دیگر به ما سر نمی زند و همسرم روزهاست که بیمار است.» شهید فایده بلافاصله به دنبال تهیه ماشین رفت. مرد بیمار را به بیمارستان رساندیم و بعد از معاینه و تهیه دارو، به منزلش برگرداندیم. آن شب، دعاهای پیرزن بدرقه راه ما بود.^۲

۱. افلاکیان، ص ۲۶۳.

۲. همان، ص ۲۷۱.

شهید چمران

«آن زمان با چمران لبنان بودیم. يك ماشين ولووی قراضه داشت که با آن می رفتیم و به اردوگاه های لبنان سر می زدیم. هر جا بچه ای، فردی را می دید که روی خاک نشسته، گریه می کند یا آرام و ماتم گرفته است، از ماشين پیاده می شد و می رفت کنارش می نشست. اگر بچه بود، بغلش می کرد، سر و صورت و اشك هایش را پاك می کرد و می بوسیدش. بعضی وقت ها می دیدم با دیدن اشك های آنها خودش هم گریه می کند. اوایل فکر می کردم افراد را می شناسد. به او که گفتم، گفت: «نه نمی شناسم.» می گفت: «همین که می دانم شیعه است، برایم کافی است؛ چون می دانم هزار و سیصد و چند سال است که ظلم را به دوش می کشند.» این قدر به این بچه های اردوگاه محبت می کرد که انگار همه شان بچه های خودش هستند.

يك بار با هم رفتیم محل نگهداری این بچه ها؛ منطقه «اسفر لبنان» در حومه بیروت تا بچه ها صدای پای چمران را شنیدند، از کلاس دویدند بیرون روی سر دکتر. نشستند روی گردنش و سوارش شدند. متحیر شدم که چطور می تواند با آن شخصیت علمی و رزمی، این طور به مردم و بچه ها عشق بورزد. با آنها بازی می کرد، کشتی می گرفت و می گفت: «می بینی چه زوری دارند؟» پیش خودم می گفتم: «ما الان کلی کار داریم. وقت طلاست و...». يك بار دلم طاقت نیاورد و به او گفتم: «چرا باید اینجا وقتمان را تلف کنیم؟» گفت: «تمام کار من و زندگی من این بچه ها هستند. سعی کن تا با من هستی، این را فراموش نکنی!» راست هم می گفت. بچه ها که بزرگ می شدند، می بردشان آموزشگاه نظامی، به آنها رزم انفرادی یاد می داد و آماده شان می کرد، برای مبارزه.^۱

حجت الاسلام شهید محمد شهاب

یکی از هم رزمان شهید شهاب می گوید: در شب های ماه مبارك رمضان، آقای شهاب و شهید

رحیمی به صورت ناشناس غذای آماده را در مناطق مستضعف نشین شهر توزیع می کردند. ایشان حتی برای افرادی که یخچال نداشتند، یخ در نظر می گرفت تا زمان افطار، آب سرد داشته باشند. بعضی اوقات می گفت: «مردم پایین شهر، از خوردن گوشت محروم اند.» با کمک دوستان، گوسفندی می گرفت و به همراه لوزام مدرسه، پتو و... به منزل محرومان می برد و تأکید ایشان این بود که اسمی از ایشان برده نشود.^۱

برخی دیگر از آثار احسان و نیکوکاری

یک: تداوم نعمت

یکی از دستاوردها و برکات احسان آن است که نعمتهای الهی بر انسان پایدار شده، تداوم می یابد. امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «مَنْ بَسَطَ يَدَهُ بِالْإِنْعَامِ حَصَّنَ نِعْمَتَهُ مِنَ الْإِنْصِرَامِ؛ کسی که دستش را برای بخشندگی (به دیگران) بگشاید، نعمتش (و دارایی اش) را از نابودی حفظ می کند.»^۲

اصولا یکی از نیازها و بایسته های هنگام نعمت، سپاسگزاری از آن است، همانگونه که حضرت علی علیه السلام فرمود: ای کمیل اگر سختی و فشار به تو روی آورد، زیاد بگو: «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم» تا سختی ها بر طرف گردد. و اگر نعمتی از جانب خدا به تو رسید، زیاد بگو: «الحمد لله» تا نعمت افزون گردد و چون روزی ات دیر رسید، زیاد بگو: «استغفرالله ربی و اتوب الیه» تا روزی ات، وسعت یابد.»^۳

۱. افلاکیان، ص ۲۲. به نقل از: ظرافت های اخلاقی شهدا، رضا آبیاری، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۸.

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۷۹.

۳. تحف العقول، ص ۱۶۸.

دو: جلوگیری از بدمرگی

به فرموده روایات، احسان و نیکوکاری عامل جلوگیری از مرگهای بد معرفی شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ؛ کارهای نیک، (انسان را) از مرگهای بد باز می دارند.»^۱

سه: عزت و محبوبیت

از دیگر آثار احسان و نیکوکاری، محبوبیت انسان نزد خدا و خلق است. جدای از تعابیر بسیاری که درباره انسانهای نیکوکار در قرآن کریم آمده است، جمله زیبای: «وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ «و نیکی کنید! که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.»^۲ بیانگر جایگاه و ارزش احسان و نیکوکاری در پیشگاه خدا می باشد. ضمن آنکه هدیه و نیکی به مردم، باعث اقبال آنان به انسان و عزیز و محبوب انسان می گردد. افزون بر این، احسان و نیکوکاری از ذلت و خواری نیکوکار جلوگیری می کند^۳ و انسان را از لغزش گاههای خطرناک حفظ می نماید.^۴